



بیژن عبدالکریمی عنوان کرد: زبان مشترک جهانی برای نقد نظام کالایی شدن؛ مسیر بدیل شرق‌شناسی وارونه در جهان اسلام

به گفته بیژن عبدالکریمی، جهان اسلام می‌تواند به‌جای شرق‌شناسی وارونه و هویت‌شناسی ایدئولوگ، متفکران غربی را بر اساس زبان مشترک جهانی به تفکر درباره نظام کالایی شدن دعوت کند.

به گفته بیژن عبدالکریمی، جهان اسلام می‌تواند به‌جای شرق‌شناسی وارونه و هویت‌شناسی ایدئولوگ، متفکران غربی را بر اساس زبان مشترک جهانی به تفکر درباره نظام کالایی شدن دعوت کند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، نشست بررسی «رویکرد جامعه‌شناسی به شرق‌شناسی، پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن» عصر دیروز 18 آبان در سرای اهل‌قلم برگزار شد.

بر اساس این گزارش، بیژن عبدالکریمی در این نشست، اصلی‌ترین تهدید برای اندیشه معنوی و هویت اسلامی را تبدیل زندگی روزمره به نظام کالایی دانست و تأکید کرد: کنترل این رخداد از سوی رهبران اجتماعی به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست. وی با اشاره به گفتمان شرق‌شناسی ترنر در کتاب «رویکرد جامعه‌شناسی به شرق‌شناسی، پست‌مدرنیسم و جهانی‌شدن» و نقد وی بر مستشرقین پیشین جهان اسلام اظهار کرد: مواجهه ما در برخورد با شرق‌شناسی وارونه تن دادن به همان گفتمان غرب‌شناسی است که بر آن نقد دارم.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد ضمن تأیید دیدگاه ترنر در این اثر، افزود: از نظر وی راه تقابل با غرب‌شناسی در جهان اسلام بومی‌کردن علوم جدید نیست و او با تأثیرگرفتن از هایدگر و مکتب فرانکفورت مسئله بشر امروز را فرایند کالایی شدن زندگی روزمره می‌داند که جوامع گوناگون به آن دچار هستند.

وی افزود: بنابر این جهان اسلام می‌تواند به‌جای شرق‌شناسی وارونه و هویت‌شناسی ایدئولوگ، متفکران غربی را بر اساس زبان مشترک جهانی به تفکر درباره نظام کالایی شدن دعوت کند.

وی ضمن تأکید بر دو گونه مواجهه با شرق‌شناسی، ادامه داد: گونه نخست، اینکه نوعی مواجهه غیر پدیدارشناسانه با سنت شرقی وجود دارد که آن را یک سنت خودساخته از شرق می‌داند و دیگر مواجهه نوعی نگاه پدیدارشناسانه به شرق است که توأم با نگاهی غیر ایدئولوگ و غیرسیاسی است و در این میان می‌توان به نگاه کربن به شرق و نگاه مستشرقانی نظیر ادوارد و فوکو اشاره کرد.

عبدالکریمی در خصوص کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید، اظهار کرد: شرق‌شناسی در نگاه ادوارد و شرق‌شناسی وارونه در معنای جهان اسلام نشان می‌دهد اینجا از منطق واحدی تبعیت می‌کند که این نگاه با شرق‌شناسی اندیشمندی چون هانری کربن تفاوت دارد.

وی مفهوم شرق‌شناسی را ابداع ادوارد سعید دانست و گفت: هرچند تصور شرق‌شناسی ادوارد سعید از اندیشه‌های فوکو در زمینه چگونگی پیوند میان دانش و قدرت متأثر بوده است، به‌واسطه این اصطلاح، نحوه برخورد اندیشمندان غرب با سنت شرقی به نقد کشیده می‌شود.

عبدالکریمی همچنین ضمن نقد روشنفکری در ایران تصریح کرد: متفکران غربی نقاب از چهره شرق‌شناسی برافکندند و بسیاری از روشنفکران ما نیز به منطق درونی شرق‌شناسی بازگشتند و به سنت تاریخی شرق‌شناسی پشت کردند، گویی که سنت تاریخی ما به‌تمامی عامل انحطاط بوده است.

وی نخبگان را حلقه واسطه در این تفکر دانست و گفت: متأسفانه در ایران نتوانستیم پیوندی مناسب بین نخبگان و اهل سیاست و فرهنگ برقرار کنیم، در عین حال نیازمند پیوند حکمی و متافیزیکی نیز هستیم که متأسفانه کمبود این دو در حیطه اندیشه اجتماعی ایران محسوس است.